

متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیز: حقیر از آن جهت که جنابعالی را برخوردار از یک نگرش و تفکر سیاسی انقلابی و در عین حال خردمدار و متین می دانم، دوست دارم ببینم نظر شما درباره نگاه و تحلیل بنده نسبت به دولت آقای روحانی صحیح است یا نه؟ فکر می کنم شخص آقای روحانی و بدنه دولت ایشان را از طرفی نمی توان برخوردار از یک نگرش عمیق و متعالی انقلابی از جنس آنچه که در تفکر دینی و سیاسی امام خمینی (ره) و رهبری و شهید بهشتی و شهید مطهری مشاهده می کنیم، دانست؛ و از سوی دیگر نمی توان این جریان سیاسی را ضد انقلاب، خائن و خارج از کشتی انقلاب و آمریکایی و اسرائیلی دانست، بر خلاف آنچه که برخی از افراد و سخنرانان برجسته اصولگرا □ که بنده به خاطر عشق و دغدغه ایشان نسبت به رهبری و انقلاب اسلامی دوست شان دارم - تلاش می کنند این نوع نگاه را تصریحاً یا تلویحاً به قشر مذهبی و جوانان ولایی و حزب الهی القاء کنند. به نظرم نگاه معقول و به دور از احساسات و برخوردهای چکشی و یکجانبه نگر و حذفی، این است که این دولت را همان طور که مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) تصریح فرمودند انقلابی بدانیم □ به این معنا که داخل مجموعه و خانواده انقلاب هستند، با وجود تمام ضعف های مبنایی و تئوریک و حتی اجرایی ای که دارند □ اما در عین حال، به جهت اهداف و دغدغه ها و مواضعی که دارند، انقلابی گری اینها را در پایین ترین سطح و یا متوسط بدانیم و نه یک نوع تفکر انقلابی متعالی و عمیق و مترقی، عین آنچه که امام (ره) و رهبری در نظر داشتند و دارند. استناد این نگاه و تحلیل بنده نیز، ریشه در سخنان خود حضرت آقا دارد که هر چند وقت یک بار، این دولت و تیم مذاکره کننده را تأیید می کنند و القابی همچون انقلابی بودن، شجاع بودن، با غیرت بودن، متدین بودن، مورد اطمینان بودن و غیره را درباره ایشان به کار می برند، در عین نقدهای جدی، فراوان، صریح و علنی ای که به برخی از مواضع آقای روحانی و آقای هاشمی دارند. به عبارت دیگر، این کمترین معتقدم برخلاف تفکر و مشی سیاسی جبهه پایداری که گمان می کنند تمام مواضع و برنامه های دولت با انگیزه تخریب انقلاب و ضدیت با امام (ره) و رهبری، و به نیت دوستی و سازش با آمریکا است، بیشتر دیدگاه های آقای روحانی، چه در حوزه مسائل دینی و چه در زمینه مسائل سیاسی و فرهنگی و نظامی و بین المللی و به خصوص سیاست خارجی، نه از سر خباثت و دشمنی با انقلاب اسلامی و بغض نسبت به امام (ره) و رهبری و با انگیزه خیانت به خون شهدا و دوست داشتن آمریکای جنایتکار، بلکه بیشتر بر این اساس است که اینها به زعم خود گمان می کنند راه پیشرفت انقلاب □ با توجه به تصور سطحی ای که نسبت به حقیقت و اهداف انقلاب اسلامی دارند □ واقعاً همین است و این طوری بهتر می توانند زمینه

پیشرفت کشور و محبوبیت اسلام را فراهم کنند؛ یعنی واقعاً اینطوری فکر می کنند و باورشان این است و حتی در مواردی هم با رهبری عزیز اختلاف نظر دارند □ و نه لزوماً ضدیت! □ ولی گمان می کنند تفکر صحیح و معتدل انقلابی یعنی این؛ هر چند که با این وجود نمی توان انکار کرد که ممکن است در موارد معدودی هم، واقعاً انگیزه خوبی نداشته باشند و آگاهانه یک سری خطوط قرمز را زیر پا بگذارند و یا گاهی از سر سیاست زدگی و تعصب و مصالح حزبی و جناحی حرفی را بزنند یا عملی را انجام بدهند، اما در مجموع فکر می کنم بنای مخالفت با انقلاب و امام (ره) و رهبری را ندارند؛ ضمن این که مگر سایر جریان ها مثل اصول گراها از این مقدار اغراض سیاسی حزبی و نامناسب، مصون هستند و تمام مواضع و رفتارشان با خلوص صد درصد و بدون هیچ گونه شائبه سیاست کاری و تعصب و صفر و صدی دیدن امور صورت می پذیرد؟! پس اندکی از افکار و اعمال سیاسی با انگیزه های نادرست، درباره همه جریان ها - اعم از تدبیر و امید و اصلاح طلبان و اصول گراها □ مطرح است نه فقط دولتی ها! خلاصه اینکه بر این باورم که «سعه صدر» تفکر اصیل انقلابی و ویژگی «عدم انحصارطلبی» که برگرفته از اندیشه امام (ره) و رهبری و شهید بهشتی و شهید مطهری است، در مواجهه با اشخاصی مثل آقای روحانی و دولتش که □ اصل انقلاب و ولایت فقیه و استکبارستیزی را قبول دارند و فقط سطح نگرش و تفسیرشان از اصول گرایان متفاوت است و بنای ضدیت با ارزش های دینی و انقلاب اسلامی را ندارند □ برخوردی غیر از برخورد جبهه پایداری را اقتضاء می کند؛ برخوردی که □ در عین دلسوزی و داشتن دغدغه های ارزشمند انقلابی و ولایی- با سعه صدر پایین و با رویکرد حذفی و کاملاً بدبینانه و صفر و صدی و شرّ مطلق دانستن رقیب و در مواردی غیرمنصفانه با این دولت برخورد می کنند، بر خلاف برخوردی از جنس آنچه که بنده در شما و آقای دکتر عماد افروغ سراغ دارم. البته بنده در مجموع، اصول گرایان و جبهه پایداری را □ در عین نقدهایی که به ایشان دارم □ به خاطر ولایت مداری و پافشاری بر اصول و ارزش های انقلاب و امام (ره) رهبری، بدون تردید ترجیح می دهم به جریان و گفتمان آقای هاشمی و روحانی که در عین قرار گرفتن ذیل نظام و انقلاب اسلامی، بسیار فاصله دارند از انقلابی گری اصیلی که در چهار رهبر بزرگ و ایدئولوگ اصلی انقلاب اسلامی مشاهده می کنیم (امام خمینی (ره)، شهید بهشتی، شهید مطهری و مقام معظم رهبری). با تشکر از مباحث دینی و سیاسی عمیق و روشنگرانه ای که در این سال ها مطرح نموده اید. وفقکم الله فی طریق السداد والیقین ۲ شهریور ۱۳۹۵

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حقیقتاً این نوع تفکر، تفکر سیاسی دوران ما است که ماوراء نگاه جناحی، متوجهی حقیقت انقلاب در این دوران است و همین طور که رهبری عزیز در روز عید غدیر فرمودند باید همچون علی «علیه السلام» دشمنان و دوستان را تقسیم بندی کرد و در متن جنابعالی این تدبیر به چشم می خورد. عرایضی که در کتاب اخیر بنده تحت عنوان «عقل و ادب ادامه ی انقلاب اسلامی در این

تاریخ» شده، نظر به همین نکته دارد منتها با نگاه هستی‌شناسانه موضوع را دنبال نموده است. موفق
باشید